



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۲/۰۱/۲۶



جليل غنى

حق اظهار نظر و فکر

با تحولاتی که با فروپاشی حکومت اشرف غنی و تسلط طالبان بر افغانستان رو نما گردید، بخشی از آزادی های نسبی و مدنی که در بیست سال گذشته با مبرازات پی گیر روشن فکران و اهل علم و هنر و فرهنگ در پهلوی پیشرفت های نسبی، ولی رو بنایی اقتصادی، که افغانستان حاصل نموده بود هم یا کاملاً از نا بود شد و یا محدودیت های گسترده و وسیعی بر آن وضع گردید. در حدود هفتاد در صد نشرات صوتی و تصویری و چاپی در افغانستان یا به دلایل اقتصادی و سیاسی و یا هم در نتیجه همین محدودیت ها و تهدید های امنیتی مسدود شد و ده ها خیر نگار و کارمند رسانه های همگانی یا ترور شدند و یا زندانی و تعداد دیگری هنم مجبور راه فرار را در پیش گرفتند. مبارزه برای حصول آزادی های مدنی راه پر فراز و فرود را در جهان و به خصوص در افغانستان پیموده و آهسته آهسته می رفت که قوام بیاید و راهش را به سوی یک جامعه ی باز با درک درست تری از مفهوم آزادی ها به شمول آزادی بیان و فکر که همواره پی هم و مترادف یک دیگر می آیند، باز نماید. با بروز چنین تحولات و تغییرات و اقدام طالبان یا برای وضع محدودیت ها و یا هم در مواردی ممانعت از نشر برخی رسانه ها و تصاویر و حتی قطع کردن سر مانکن های نمایش البسه در فروشگاه ها و تراشیدن تصاویر بر دیوار ها و برداشتن تصاویر دیگر از دفاتر و خلاصه نا روا دانستن هر اثر هنری به شمول موسیقی و نشرات تلویزیونی که دران زن نقشی داشته باشد و یا تصویر و آنهم تصویر زنی باشد همه و همه به شمول اظهار نظر و بیان و عقیده که طالبان آنرا مصلحت نه بینند، به موجب هر قانون و مقرره بی ممنوع گردید. درین هفته بیانان تعدادی از اشتراک کنندگان زن به نمایندگی از جامعه ی مدنی افغانستان در کنفرانس اسلو بین نمایندگان طالبان شامل هیاتی از افسار و نمایندگان مختلف از نخبگان و شخصیت های آگاه، غیر از چهره های تکراری و شناخته شده ی که از چهل سال به این طرف به نام نمایندگان مردم ملت افغانستان را گروگان گرفته بودند و هر گونه استفاده ی و مقام و منزلت را کمائی کردند، و همچنان هیاتی های هم از اروپا و امریکا در شهر اوسلو پایتخت ناروی جریان داشت. زنانی که درین نشست حضور داشتند خواسته های مشروع و قانونی را مطرح نمودند

و مشکلاتی که زنان افغانستان در تحت اداره طالبان به آن مواجه هستند، توضیح دادند که همین بیانیه ها باز تابی گسترده در شبکه های اجتماعی و رسانه های گروهی داخل و خارج افغانستان داشته است. اکثریت این باز تاب ها و تبصره ها و اظهار نظرها مثبت بود و تقدیر گردید، ولی تعدادی هم از آن، و به خصوص از آنانی که به نمایندگی از زنان افغانستان صحبت نموده اند، انتقاد کرده اند که البته حق مسلم هر انسان است تا نظری داشته باشد و ابراز دارد ولی درین نظریات انتقادی نکاتی دیده می شود که با روحیه ی حق انسانی آزادی بیان و فکر در تناقض قرار دارد و بعضی هم شکل تعرض را دارد نه انتقاد و یا نظر. اشتباه نشود هدفم دفاع از کسی و یا گروهی است بلکه همانطوری که یک تعداد از نظر دهندگان در باره شناخت از سخنرانها اظهار بی اطلاعی کردند، این قلم نیز از هیچ یک از این سخنرانها شناختی ندارم و شاید هم بار اول باشد که نام شانرا می خوانم و یا می شنوم. ما از سالیان دراز و حتی از گذشته های بسیار دور عادت به این داریم که می بینیم «کی میگوید» به جای آنکه بشنوم «چه می گوید». بعضی اوقات حتی هویت و شخصیت و سجایا و اخلاق و قومیت، ملیت و و و گوینده یا نویسنده مورد سوال قرار داده می شود بدون شناخت از او با وصف آنکه سخن معقول و مفید بوده باشد ولی با نظر او به دلایل مختلف سر سازش نداریم هر گونه اعتراض و تهمت را بر آن بخت برگشته که خواسته درد دلی کند و یا پیشنهاد و نظرش را ارائه دارد، روا می داریم تا سخنش را بنا به هر دلیلی که باشد بی تاثیر ساخته باشیم. متأسفانه با آزادی دسترسی به شبکه های اجتماعی که از خیرات سر فیسبوک و توییت و بعضی نشرات غیر مسولانه ی دیگری موجود است، و با تاثیر پذیری از جریانات داخل افغانستان که خواهی خواهی با در نظر داشت تعلقات گوناگون بر آوارگان دور از وطن و رنج دیدگان داخلی بی تاثیر نیست و به جای ارائه ی نظر صایب و متقابل با تعرضات غیر موجه و تند و حتی هتک حرمت قدمی در ترور شخصیت او بر می داریم. این روش که از سالیان دراز رواج پیدا کرده موجب آن شده که اکثر نویسندگان و چیز فهان حتی از

د پانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولئ

ابراز نظر برای خیر مملکت و مردم رنج دیده ی آن منصرف شوند که جفای است هم بر قلم به دست بی نوا و هم به آئینکه احتمالاً از نظر و رهنمایی یکی از چیز فهمان و آب دیدگان مجرب که عمرش را در راه خدمت صادقانه به وطن سپری کرده است.

دوستان و هم وطنان عزیز و گرامی من قصد نصیحت و وصیت را ندارم و این حق را هم به خود نمی دهم ولی خواستم به حیث یک هم وطن، یک مهاجر مثل ملیون ها انسان آواره ی دیگر که از چهل سال به اینطرف همه روزه در از دست دادن عزیزی سوگوار بوده و یا به جنازه ی هم وطنی، همسایه ی، دوستی، کوچه گی خود و یا جنازه ی نا شناسی برای غم شریکی رفته است درد لی داشته باشم.

درجهان و به خصوص در نظام های مدنی و پیشرو، مفهوم آزادی بیان در حدود چهار سده قبل یعنی سده های هفدهم و هجدهم میلادی آغاز یافت. این آزادی یکی از حقوق انفکاک ناپذیر بشری خوانده شده و در همه ی قوانین مترقی و حتی باورهای عقیدتی مختلف، این حق به رسمیت شناخته شده است. اما این حق مسلم انسان، راه طولانی را همراه با زندگی انسان ها افتان و خیزان پیموده تا در جهان مترقی و پیشرفته قوام یافته و حتی تا همین اکنون هم با وصف همه تضمین ها و پیشرفت ها و مقررات و قوانین، با مشکلاتی در همین جوامع، بگذریم از جوامع عقب مانده و استبدادی و یا تک حزبی، مواجه است. آزادی بیان و فکر (عقیده) یکی از موضوعات عمده ولی پیچیده در هر نظام مخصوصاً نظام های دموکراتیک و مردمسالار می باشد که جزئی از حقوق اساسی و بشری افراد دانسته می شود.

حق آزادی بیان در بسیاری باورهای عقیدتی نیز به آن اشاره شده است. پروردگار عالمیان در آیه ی 256 سوره بقره حکم می کند:

«لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ» یعنی «در دین اجباری نیست راه درست و راه نادرست هر دو روشن شد». در این آیه ی مبارکه به وضاحت دیده می شود که پروردگار عالمیان راه درست و نادرست را به بشریت نشان داده و انتخاب را به بندگان گذاشته است.

هدف هر نظام مردمسالار یا دموکراتیک، تضمین آزادی های فردی به منظور تأمین عدالت اجتماعی است، هر نظامی که فاقد چنین هدفی باشد نمی توان آن را یک نظام دموکراتیک خواند.

در جوامع پیشرفته این حق به حیث حق فطری و اساسی اتباع در قوانین اساسی و قوانین متمم می این کشورها تضمین گردیده است. سوابق شناخت حق آزادی بیان و عقیده و تضمین این حقوق به قرن هفده و هجده میلادی بر می گردد. مفهوم آزادی بیان برای اولین بار در لایحه ی حقوق مدنی انگلستان در سال 1860 در سند «آزادی بیان در پارلمان» و سند «حقوق مدنی اتباع و باشندگان»، تاریخ آزادی بیان و روزنامه گاردین برتانیه 1948، و در جریان انقلاب فرانسه در سال 1860 مسجل شد و به طور اخص آزادی بیان را حق انفکاک ناپذیر انسان تأیید کرد. این اعلامیه، آزادی بیان و عقیده را در ماده ی یازدهم چنین قید می کند:

«مفاهمه و مکالمه ی آزاد مفکوره ها و نظریات یکی از باارزش ترین حقوق انسان است. هر تبعه می تواند بر مبنای آن آزادانه سخن بزند، بنویسد، و چاپ نماید؛ ولی باید مسوول سوءاستفاده از این آزادی، آن طوری که در قوانین تعریف و تصریح می گردد، باشد»¹

آزادی بیان در ماده ی نهم اعلامیه ی جهانی حقوق بشر که در دهم دسمبر 1948 به تصویب رسید، که هم چنان در میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز تضمین گردیده، چنین حکم می کند:

«هرکس حق ابراز آزادانه ی نظریات و عقاید را بدون مداخله دارد، و بنا بر آن هرکس حق آزادی بیان را دارد این حق شامل آزادی جست و جو، دریافت و نشر هر نوع اطلاعات و نظریات بدون در نظر داشت مرزها، شفاهی، تحریری و یا چاپی، به شکل آرت (هنر) و یا از طریق هر رسانه ی دیگری می باشد. تعمیم این حقوق مستلزم وجایب و مسوولیت های خاص است و بنابراین در مواقع ضرورت معروض به برخی محدودیت ها برای احترام به اعتبار حقوق دیگران و یا حفاظت امنیت ملی و یا نظم عامه و یا صحت عامه و یا روحیه ی عامه خواهد بود»²

ولی دیده می شود که آزادی بیان شاید در بعضی از نظام های حقوقی متکی بر مذهب، و در بعضی نظام های حقوقی لائیک یا غیر مذهبی که اهانت به مذهب تشخیص گردد، محدود ساخته شود؛ مثل مقرره ی «عداوت و کینه ورزی نژادی و مذهبی» که در سال 2006 در برتانیه تصویب شد.

امروز آزادی بیان و عقیده در قوانین بین المللی و منطقوی به رسمیت شناخته شده است و در ماده ی نهم میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ی دهم میثاق اروپایی در مورد حقوق بشر، ماده ی سیزدهم میثاق امریکا در مورد حقوق بشر و ماده ی نهم منشور افریقا در مورد حقوق مردم و انسان ها تثبیت گردیده است.

1- مصوبه 1-217 A مجمع عمومی ملل متحد، دهم دسمبر 1948

2- مصوبه (217) مجمع عمومی ملل متحد، 10 دسمبر 1948

بنابراین حدود و ثغور آزادی بیان در نظام حقوق بشری اروپایی، معین و مشخص گردیده است. کنوانسیون یا میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوبه ی 1966م. که افغانستان به آن ملحق گردیده و مکلف به رعایت آن می‌باشد، در ماده‌ی 19 خود در باره‌ی «آزادی بیان» چنین مشعر است:

«1- هیچ‌کس را نمی‌توان به دلیل عقایدش مورد مزاحمت و مواخذه قرار داد.
2- هرکس حق آزادی بیان دارد این حق شامل آزادی تفحص و تحصیل و اشاعه‌ی اطلاعات و افکار، از هر قبیل، بی‌توجه به سرحدات، خواه شفاهی یا به صورت نوشته یا چاپ یا به صورت هنری یا به هر وسیله‌ی دیگری به انتخاب خود باشد.
3- اعمال حقوق مذکور در بند دوم این ماده مستلزم حقوق و مسؤولیت‌های خاص است و لذا ممکن است تابع محدودیت‌های معینی گردد که در قانون تصریح شده باشد به طور مثال احترام حقوق و حیثیت دیگران، حفظ امنیت ملی، تبلیغ برای جنگ، ترغیب و دعوت به کینه و تنفر ملی یا نژادی یا مذهبی.»

به این ترتیب با در نظر داشت متن میثاق اروپایی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، میثاق امریکایی حقوق بشر و منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها، دیده می‌شود که «آزادی بیان» قابل اعمال و تعهدشده در کنوانسیون‌های حقوق بشری تمام دنیا، میدان بدون حدود و ثغور نیست و نیز چنان نیست که این حق بنیادی گستره‌ی لامحدود داشته باشد و با کاربرد غیرمعیاری آن، حقوق بنیادی افراد و یا گروهی از افراد (جامعه و گروه‌های متنوع اجتماعی) دیگر، مصدوم گردد.

در تقریباً تمام کنوانسیون‌ها، به قدرت عامه (دولت‌ها) اختیار داده شده است که بنا بر روحیه‌ی جامعه و نیاز آن و نیاز دولت‌ها در محدوده‌ی همان عناصر مندرج در کنوانسیون‌ها، ممانعت‌هایی را که ضرورت خواهد بود در «قوانین» خویش درج نمایند.

تقریباً در تمام میثاق‌ها در اخیر آن صراحت داده شده است که قوانین موضوعه‌ی شان مناقض حقوق بنیادی شهروندان نمی‌تواند وضع گردد.

در حالی‌که آزادی بیان یک عامل کلیدی در انتشار اطلاعات در زمان معاصر است و می‌تواند یک عامل بالقوه‌ی سیاسی هم باشد، نظام‌های استبدادی سیاسی و مذهبی هر دو سعی دارند از تعمیم این حق توسط اتباع‌شان به هر نحو ممکن جلوگیری کنند؛ ولی در عین زمان آزادی بیان به شکل لجام‌گسیخته‌ی آن می‌تواند بر آزادی دیگران اثر منفی داشته باشد.

بعضی از موارد محدودیت بر آزادی بیان

(تشهیر) بد گوئی، تهمت و افتراء، تهمت زدن، به دروغ نسبت خیانت به کسی دادن؛

بیانات تهدید آمیز علیه اشخاص؛

دروغ گفتن در محکمه و بی احترامی به محکمه؛

بیانات نفرت انگیز بر مبنای نژاد، مذهب و یا ترجیحات جنسی؛

تخلف از حق طبع و نشر آثار علمی و هنری (کاپی رایب)، علایم تجارتي و افشای اسرار تجارتي؛

افشای اسرار دولت و یا اطلاعات محرمانه؛

دروغی که باعث سراسیمگی مردم گردد؛

"جنگ لفظی" که برهم زدن صلح و آرامش را تحریک کند؛

بیانات فتنه جوینانه، خائنانه و تشویق دهشت افگنی؛

آلودگی صدا؛

کفرگوئی و توهین به مقدسات، ارتداد و الحاد، کوشش برای تغییر عقیده مذهبی یک شخص؛

وقاحت و بی احترامی به مقدسات و انتشار صور قبیحه؛

نشر اطلاعات انتقاد از ملیت کسی در انترنیت.

البته این محدودیت‌ها منحصر به موضوعات ذکر شده نبوده و هم رعایت آنها از طرف تمام کشورها التزامی نیست

هر کشور و ملت نظر به ارزش‌های عقیدتی و مذهبی و فرهنگی و مطابق به قوانین و مقررات حاکمه، محدودیت‌هایی را بر آزادی بیان و عقیده وضع میکند.

نگاهی به ملل دیگر حتی در همین کشورهای همسایه نشان می‌دهد که چگونه این ملت‌ها با وصف هر گونه تفاوت‌های قومی، نژادی، مذهبی، قبیله‌ی، فرهنگی و زبانی و سمتی و منطوقی با هم کنار آمده اند و به قتل و قتال و خونریزی تحت هر نام و نشان و عنوانی بوده خاتمه دادند و دست به دست هم وطن‌شان را آید کرده و برادر وار با هم زندگی کردند. کشور پهناور هند با یک میلیارد و دو صد میلیون نفوس، چهار هزار مذهب، دو صد و پنجاه زبان با بیست و سه زبان رسمی در قانون ساسی خود امروز یکی از کشورهای پیشرفته، مترقی و قدرتمند جهان است. پاکستان که از تشکیل آن هفتاد و پنج سال می‌گذرد با بیش از دو صد میلیون نفوس شامل اقوام و

قبایل و مذاهب مختلف به شمول مسلمان، قومی مهاجر، عیسوی، هندو و سکه با چندین زبان اردو، انگلیسی، پشتو، بنگالی، پنجابی و زبان های محلی دیگر یکی از کشور های پیشرفته ی منطقه قدرتهای ذروی جهان است. آیا وقت آن نرسیده که اگر از خود نمی آموزیم از دیگران بیاموزم و راه تفاهم و همدیگر پذیری را بجای تقابل و نفی یک دیگر انتخاب کنیم، به عقاید و نظرات دیگران، حتی اگر قبول نداریم، احترام بگذاریم، آزادی های فطری و انسانی شناخته شده را که در اصول عقیدتی ما و تائید جهان قرار دارد، رعایت کنیم، از تنفر و کینه و عداوت و برتری جوئی دوری کنیم و همدیگر را برای شناخت بیشتر مطابق به احکام قرآنی قبول کنیم، زیرا یزدان پاک می فرماید مقدم ترین شما نزد پروردگار پیر هیزگار ترین شماست.

پایان

د پانو شمیره: له 4 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ